

# نگاهی به تاریخچه سیاسی جدایی بحرین از ایران

امیر رضوان تبار<sup>۱</sup>

فرهاد پروانه<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

## مقدمه

بحرین از سرزمین‌های تابعه ایران بود که از دوره قاجاریه، انگلستان با اهداف استعماری در منطقه خلیج فارس و به بهانه برقراری امنیت به واسطه ضعف حکومت مرکزی از سال ۱۸۲۰ م. به بعد، قراردادهایی را با شیوخ آن منعقد می‌کرد و بعدها نیز مدعی شد که با این عهد بحرین تابع حکومت انگلیس و خارج از حاکمیت ایران شده است؛ اما ایران به تبع آن در هیچ زمانی این ادعا را نپذیرفت و همواره به آن معترض بود، از جمله اعتراض و شکایت در این خصوص در سال ۱۹۲۷ م. به جامعه ملل بود؛ اما در دوره پهلوی دوم با اعلام خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس و تکلیف نهایی بحرین، سیاست دولت ایران با وجود آنکه بحرین را در تقسیمات کشوری استان چهاردهم خوانده بود، تغییر کرد و حاضر شد از حاکمیت خود نسبت به بحرین صرف نظر کرده و به آن استقلال دهد. حال این سؤال مطرح است جدایی و استقلال بحرین به نفع و سود کدام یک از کشورها بوده است؛ ایران یا انگلیس؟

## چکیده

تا ۴۵ سال پیش مجمع‌الجزایر بحرین در خلیج فارس به ایران تعلق داشت. این مجمع‌الجزایر نه با توسل به شورش و اعتصاب، جنگ، قرارداد و معاهده بلکه با توطئه و دسیسه انگلستان و چراغ سبز دولت وقت ایران مبنی بر انجام همه‌پرسی در بحرین در سال ۱۳۴۹ از پیکره ایران جدا شد. این مقاله بر آن است تا با بیان حقوق چندین هزارساله ایران در رابطه با بحرین، چگونگی حضور و دخالت انگلستان در بحرین و به تبع آن ادعاهای ارضی این دولت مبنی بر تحت‌الحمایه بودن بحرین، دعاوی دولت ایران برای عدم پذیرش این ادعاها و سیر حوادثی که در دوران حکومت پهلوی منجر به جدایی بحرین از ایران شد، به بررسی این واقعه تاریخی بپردازد.

## کلیدواژه

ایران؛ خلیج فارس؛ بحرین؛ انگلستان.

۱. کارشناس ارشد تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس.

amirrezvan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان- دبیر تاریخ

(نویسنده مسئول). farhad.parvaneh@yahoo.com

## موقعیت جغرافیایی و تاریخی بحرین

بحرین مجمع‌الجزایری است که از یک جزیره بزرگ به نام منامه و سی‌ودو جزیره کوچک‌تر تشکیل شده است (اقتداری، ۱۳۸۷: ۲۷۴). وسعت مجموع این جزایر بالغ بر ۶۰۰ کیلومتر است که در بخش جنوبی خلیج فارس و در مجاورت دو کشور قطر و عربستان و در ورودی خلیج سلوا قرار گرفته است (رامشت، بی تا: ۱۸۳). بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جزایر بحرین بعد از منامه، محرق، ستره، ام‌غسان است. از امتیازات خاص بحرین در میان همه سواحل و جزایر خلیج فارس فراوانی آب شیرین و زمین کشاورزی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

نخستین کتیبه‌ای که از این جزیره یاد کرده است، نوشته‌ای از شرح کارهای سارگون بزرگ آشوری در حدود ۲۸۷۲ ق.م است. نام باستانی جزیره بحرین اووال است یعنی جایگاهی که آب دارد (افشار سیستانی، ۱۳۷۶: ۶۹۵-۶۹۶). ریشه کلمه بحرین از صیغه بحر است و به مفهوم دو دریاست که علت آن را وجود آب‌های شیرین در میان آب‌های شور دریا می‌دانند (رامشت، بی تا: ۱۸۱). بحرین پیش از اسلام تا سده ۶ ه.ق به همه سرزمین‌های کرانه جنوبی خلیج فارس یعنی از بصره تا عمان اطلاق می‌شد؛ اما از سده ۷ ه.ق پیش‌درآمدهای کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و جزایر بحرین به یکدیگر درآمیخته و از روزگار فرمانروایی صفویه به بعد نام بحرین ویژه جزایر اووال و بخش کرانه‌ای نیز اسم الحساء به خود گرفته است.

تمامی تاریخ‌های فارسی و غیرفارسی اعم از اسناد رسمی و دولتی<sup>۱</sup> و کتاب‌های جهانگردان خارجی حکایت از آن دارد که بحرین از زمان‌های بسیار دور بخشی از سرزمین ایران بوده است. پیش از اسلام، هخامنشیان با کمک دریانوردان فنیقی

نیروی دریایی قوی ساختند و این کوروش بزرگ بود که توانست در ۵۳۸ ق.م حاکمیت ایران را بر سرتاسر آب‌های خلیج فارس و دریای عمان استوار کند. در دوره اشکانی نیز بحرین جزو لاینفک ایران به‌شمار می‌رفت، چنانچه نام آن در سفرنامه یکی از دریانوردان یونانی مصر که در حدود ۸۰ ق.م سفری به دریای احمر و بخشی از کرانه‌های افریقا و هند داشته است، بحرین را مرز قلمرو پادشاهی اشکانیان یاد کرده است (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۸: ۱۶).

در دوره ساسانی به جهت سرکوبی اعراب توسط شاهپور دوم، بحرین دوباره به قلمرو امپراتوری ایران بازگشت و از جانب ملوک حیره<sup>۲</sup> گماشته‌ای در آنجا منصوب کردند. در قرون اخیر عهد ساسانی، بحرین از پایگاه‌های دریایی و از ساتراپ‌های مهم آن به‌شمار می‌رفت و در این زمان مرکز اسپهبد در مجمع‌الجزایر بحرین، شهر دارین بود (کریستین سن، ۱۳۷۳: ۱۵۴).

بحرین جزو اولین سرزمین‌های ایرانی است که اسلام بدان جا راه یافت. در دوره خلافت خلفای راشدین از نظر اداری توابع مدینه بود. در اوایل خلافت عباسیان این جزیره به ایالت فارس ملحق شد و سالیان درازی مأمون شورشیان قرمطی شد (اسدی، ۱۳۸۱: ۱۷۳). در سده پنجم هجری بحرین تحت سیطره سلجوقیان قرار گرفت و با تشکیل حکومت محلی سلاجقه کرمان، به تابعیت آنها درآمد. در دوره ایلخانان مغول- آل مظفر و بعدها تیموریان نیز- بحرین تابع حکمرانان فارس بود. بعد از آن نیز در تحت حکمرانی پادشاهان محلی کیش و هرمز اداره می‌شد (نشأت، ۱۳۴۵: ۴۷).

پرتغالی‌ها به‌عنوان آغازگران استعمار به دنبال رسیدن به ثروت شرق، با گذر از دماغه امیدنیک وارد منطقه اقیانوس هند

۱. گذشته از نقشه‌ها از جمله کشور ایران بارها به استناد به مدارکی که در طی آنها انگلستان رسماً حقوق حاکمیت و مالکیت ایران را به رسمیت شناخته است از جمله یکی از آنها عهدنامه ۱۲ ذیحجه ۱۲۳۷ ه.ق / ۳۰ اوت ۱۸۲۲ م. که در روزگار فتحعلی شاه قاجار بین حسینعلی میرزای فرمانفرما، حاکم فارس و ویلیام بروس، کمیسر ویژه انگلستان در خلیج فارس بسته شد.

۲. سلسله‌ای از امرای عرب که در عراق حکومت داشته از پادشاهان ایران اطاعت می‌کردند. مرکز حکومت آنان شهر حیره نزدیک کوفه بوده سرسلسله آنها عمرو بن عدی بن نصر معاصر با اردشیر بابکان است آخرین ملوک این سلسله مندربن نعمان در بحرین در جنگی کشته شد و سلسله آنان منقرض شد ۶۳۲ م.

جنگ جهانی اول و حضور گسترده نظامیان انگلیسی در منطقه خلیج فارس، فرصت مناسبی برای تحکیم موقعیتشان در منطقه بود. مأمورین انگلیسی مستقر در منطقه برای تثبیت قدرت و پیشرفت نفوذ دولت متبوع خود همیشه به بهانه‌های مختلف و با عناوین موجه حفظ امنیت منطقه خلیج فارس، اقدامات خود را به‌عنوان کمک و همراهی به دولت ایران معرفی می‌کردند که از این میان می‌توان به سر چارلز بلگریو<sup>۱</sup> اشاره کرد (همان: ۳۰).

همچنین در ۱۹۲۷ م. قراردادی بین انگلستان و ملک عبدالعزیز امیر حجاز منعقد شد که بر اساس آن، پادشاه حجاز متعهد می‌شد با سرزمین‌های کویت، بحرین و سواحل عمان که هم‌پیمان بوده و مناسبات ویژه با انگلستان دارند روابط صلح و دوستی برقرار کند. عقد این قرارداد تجاوز به تمامیت ارضی ایران بود و دولت ایران طی یادداشتی به دولت انگلستان و هم متعاقباً به‌طور رسمی به جامعه ملل شکایت کرد. در یادداشت‌های ردوبدل شده بین دولت ایران و انگلستان لحن و ادبیات به‌کار گرفته شده توسط انگلیسی‌ها مبین دست کم‌گرفتن و هیچ‌انگاشتن طرف ایرانی از سوی کارگزاران دولت انگلستان است؛ تبادل یادداشت میان ایران و انگلستان - عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه با سررابرت کلایو<sup>۲</sup> وزیر مختار انگلستان در تهران - نشان می‌دهد مذاکرات درباره انعقاد توافق‌نامه‌ای فراگیر دور می‌زد که تمامی اختلافات سیاسی مالی، تجاری و ارضی دو کشور را مرتفع می‌ساخت که مسئله بحرین مهم‌ترین موضوع این گفتگوها بود. در خلال همین مذاکرات نشانه‌هایی از نرمش و عقب‌نشینی ایران در قبال بحرین برای انگلیسی‌ها آشکار شد. وزیر دربار رضاشاه مذاکره مستقیم را برای ارجاع موضوع به جامعه بین‌الملل ترجیح می‌داد، رکن اصلی دست‌یابی دو دولت توافق‌نامه‌ای همه‌جانبه و البته عدول بی‌قید و شرط دولت ایران از هرگونه ادعا بر بخش‌های عرب‌نشین خلیج فارس بود (منظور آنها مجمع‌الجزایر بحرین و حتی جزایر دیگری مثل ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بود)؛ اما زیاده‌خواهی‌های

و خلیج فارس شدند و به دنبال آن بحرین نیز مانند بسیاری از نقاط دیگر در ۹۲۸ ق/ ۱۵۲۲ م. به اشغال آنها درآمد و این اشغال نزدیک به یک قرن ادامه داشت تا اینکه با روی کار آمدن شاه‌عباس بزرگ صفوی و برقراری ثبات سیاسی در کشور - بحرین در ۱۰۱۰ ق/ ۱۶۰۲ م از تصرف پرتغالی‌ها آزاد شد و اقتدار حکومت مرکزی ایران بر تمام سواحل و جزایر خلیج فارس برقرار شد. با وجود کارشکنی‌های دولت‌های اروپایی در منطقه خلیج فارس، نادرشاه و کریم‌خان زند هم توانستند حاکمیت خویش را بر جزایر و سواحل آن حفظ کنند، اما نزاع و کشمکش بین جانشینان کریم‌خان زند و بعد از آن درگیری‌های آغامحمدخان قاجار برای رسیدن به حکومت زمینه را برای تضعیف موقعیت سیاسی و نظامی ایران در سواحل، آب‌ها و جزایر خلیج فارس ایجاد کرد و فرصت دست‌اندازی را به شیوخ عرب به قلمرو ایران (نواحی جنوبی) داد.

### انگلستان و بحرین

از ۱۱۹۷ ق/ ۱۷۸۳ م. احمد بن محمد از خاندان آل‌خلیفه و از تیره عتوبی در نجد عربستان با استفاده از درگیری‌های خاندان زند و آغامحمدخان قاجار بر بحرین دست یافتند (ویلسن، ۱۳۸۴: ۲۸۳). در این میان نیز انگلستان با شکست رقبای اروپایی خود در منطقه خلیج فارس به موقعیت مطلوب‌تری دست یافت. از این دوره، تداوم گرفتاری حاکمان قاجار در برخورد با مدعیان تاج و تخت و جنگ‌های فرسایشی با روسیه از یک سو و فقدان نیروی دریایی از سوی دیگر باعث می‌شد که انگلیسی‌ها از وجود این شیوخ عرب برای تحکیم نفوذ و سلطه استعماری خود در خلیج فارس استفاده کنند. از آنجاکه توانایی حکومت قاجار در برابر فزون‌خواهی انگلیسی‌ها ضعیف و ناکارآمد بود، انگلیسی‌ها دخالت رسمی خود را در امور داخلی بحرین با بستن اولین قرارداد با شیخ سلمان بن احمد در سال ۱۸۲۰ م/ ۱۲۳۵ ق آغاز کرده، به دنبال آن نیز قراردادهایی در ۱۸۸۰ م/ ۱۲۹۷ ق و ۱۸۲۹ م/ ۱۲۴۴ ق با شیخ عیسی منعقد شد که بدون اجازه آنها بحرین با هیچ دولتی قرارداد نبندد و به هیچ کشوری حق تأسیس نمایندگی سیاسی ندهد (قائم‌مقامی، ۱۳۴۱: ۱۵).

1. belreave

2. Sir Robert Clive

دولت در ۲۰ آبان ۱۳۳۶ / ۱۲ نوامبر ۱۹۵۷ با تصویب مجلس شورای ملی، بحرین را که تا آن زمان جزء ایالات تابع فارس در تقسیمات کشوری بود، استان چهاردهم اعلام کرد.

در ۱۳۴۱ بحرین به پایگاه اصلی نیروی دریایی و زمینی انگلستان در خلیج فارس تبدیل شد. با اعلام خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس در اواخر ۱۹۶۰ م. طرح تشکیل اتحادیه‌ای متشکل از قطر، بحرین، هفت امیرنشین سواحل خلیج فارس (امارات متحده عربی) را ارائه داد که ایران با مخالفت به حضور بحرین در این اتحادیه، ضمن استقبال از خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس گفتگوهایی را به‌زعم خویش برای نیل به حقوق و هدف‌های خود در خلیج فارس آغاز کرد که از جمله این اقدام‌ها توجه به مسئله بحرین بود (اسدی، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

#### جدایی بحرین از ایران

در ۱۴ دی ۱۳۴۷ / ۴ ژانویه ۱۹۶۹ محمدرضا پهلوی در یک اجلاس مطبوعاتی در دهلی‌نو با اشاره به خروج نیروهای انگلیسی و آینده خلیج فارس و مسئله بحرین در پاسخ به این سؤال خبرنگار که گرفتن و حفظ کردن سرزمینی که مردم آن با شما مخالف‌اند چه فایده خواهد داشت؟ شاه غیرمترقبه خط بطلان بر حقوق تاریخی و حتی ادعاهای ۱۱ سال پیش خود کشید و گفت:

«سیاست و فلسفه ما این است که با اشغال سرزمین‌های دیگران از طریق زور مخالف باشیم. درعین حال در هر اشغالی، شما باید مراقب سلامت و امنیت نیروهای خود باشید».

شاه در پاسخ به سؤال یکی دیگر از خبرنگاران اعلام کرد:

«چنانچه مردم بحرین علاقه‌مند الحاق به کشور من نباشند، ایران ادعای ارضی خود را نسبت به این جزیره پس خواهد گرفت. ایران به اراده و خواست مردم بحرین در صورتی که مورد شناسایی بین‌المللی نیز واقع شود احترام خواهد گذاشت» (ازغندی، ۱۳۸۷: ۳۹۳-۳۹۴).

انگلیسی‌ها به قطع این گفتگوها انجامید (زرگر، ۱۳۷۲: ۲۵۴). در خلال سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۱ م / ۱۳۱۱-۱۳۱۰ مذاکرات پراکنده میان طرفین بی‌نتیجه ماند. پس از آن حکومت ایران جز اعتراض‌های سست که هیچ‌گاه از مرحله حرف فراتر نرفت اقدام دیگری برای اعاده حاکمیت خویش بر بحرین صورت نداد. در ۱۹۳۰ م. دولت انگلستان از ورود و خروج کسانی که فاقد گذرنامه بودند به بحرین جلوگیری می‌کرد. واکنش ایران طی مکاتبات و اعتراض‌های رسمی راه به‌جایی نبرد. حتی در همان سال‌ها مازر فرانک هلمز<sup>۱</sup> نماینده شرکت نفتی انگلیس، امتیاز اکتشاف نفت در بحرین را به دست آورد و بلافاصله عملیات حفاری را آغاز کرد. اعتراض دولت ایران و شکایت به جامعه ملل با توجه به حمایت‌های آمریکا از سیاست انگلیس به نفع خود راه به‌جایی نبرد (وثوقی، ۱۳۸۴: ۵۵۸-۵۵۹). از همین ایام، انگلیس طرح حذف نمادهای فرهنگ ایرانی را از بحرین با جدیت بیشتری دنبال کرد. سکنه ایرانی بحرین که حاضر به پذیرش تابعیت بیگانگان نبودند بارها عاجزانه و ملتمسانه و حتی با توسل به رضاشاه از حکومت ایران خواستند تا مانع از تضييع حقوق سیاسی دولت ایران و پایمال کردن دارایی شخصی آنان در بحرین شود اما پاسخ حکومتگران ایرانی به استمداد مکرر اتباع بحرین، توصیه و سفارش به صبر، متانت و بردباری بود، حتی دیگر از آن یادداشت‌های معترضان سابق به انگلیسی‌ها یا جامعه ملل هم خبری نبود. وقایع شهریور ۱۳۲۰ و اقتضای فضای سیاسی ایران مدتی مسئله بحرین را مسکوت گذاشت. در ۱۳۲۷ / ۱۹۴۸ م ایران تمامی ترتیبات صورت گرفته با بحرین توسط سایر دولت‌ها را بی‌اعتبار خواند؛ اما تحولات اخیر سیاست ایران نسبت به انگلیس از لحاظ عضویت آن در پیمان بغداد سبب شد تا این اعتراض ایران فقط جنبه حرف و نمایی داشته باشد و تنها مطبوعات کشور موضوع تکلیف بحرین و احقاق ایران را یادآوری کنند (امینی، ۱۳۸۱: ۲۰۷). در سال ۱۳۳۵ موج مخالفت عمومی با سلطه خارجی و احقاق حقوق مردم در بحرین رخ داد که منجر به کشته شدن و دستگیری و تبعید سرکردگان آنها شد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۱۹۵-۱۹۶).

نمی‌توانم آن را بپذیرم» (علم، ۱۳۷۱: ۱۳۱) اما شاه در برابر فشار انگلیس تسلیم می‌شود.

در نهایت حکومت ایران پذیرفت که سازمان ملل متحد کوشش‌های خود را در امر تشخیص خواسته‌های واقعی مردم برای پیوستن به ایران یا جدایی از آن به کار گیرد. نتیجه این نظرخواهی از قبل بر همگان مشخص بود.

ویتوریو گیچاردی<sup>۱</sup> نماینده سازمان ملل متحد مأمور نظرخواهی از مردم بحرین در این خصوص شد. وی در رأس هیئتی پنج‌نفره از ۲۹ مارس تا ۱۸ آوریل ۱۹۷۰ م / ۹ تا ۲۹ فروردین ۱۳۴۹ از جمعیت‌ها و باشگاه‌ها و تعدادی از اشخاص مقیم بحرین نظرخواهی کرد و گزارش خود را تقدیم دبیرکل سازمان ملل نمود. این گزارش تأکید داشت جمعیت ایرانی بسیار ناچیزی خواهان پیوستن به ایران هستند، اما قاطبه قریب به اتفاق سکنه بحرین جویای تشکیل دولتی کاملاً مستقل و عربی در آن جزیره هستند (پرتوی مقدم، ۱۳۸۵: ۸۵).

در ۱۱ مه ۱۹۷۰ نمایندگان سازمان ملل پس از دوازده روز توقف در بحرین و همه‌پرسی گزارش خود را مبنی بر استقلال شیخ بحرین به سازمان ملل دادند ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۹ شورای امنیت گزارش نمایندگان اعزامی خود را به بحرین مبنی بر استقلال آن کشور تصویب کرد (عاملی، ۱۳۷۲: ۲۴۱). نماینده ایران در سازمان ملل بلافاصله پشتیبانی ایران را از گزارش اعلام کرد تا به موجودیت کشور و دولت بحرین مهر تأیید زده باشد. علم می‌گوید:

«گوینده خبر رادیویی ایران چنان با افتخار و غرور آن خبر را خواند که گویی هم‌اکنون بحرین را فتح کرده‌ایم. البته رژیم از واکنش عمومی در قبال پذیرش جدایی بحرین از ایران بسیار نگران بود. در همان روزها بر اثر پیروزی تیم فوتبال ایران بر تیم فوتبال اسرائیل شادی و سرور تهران را فرا گرفته بود و این در حالی بود که حکومت بیم داشت تا این جنبش به تظاهراتی عظیم

شاه به دنبال اظهاراتش در دهلی‌نو نسبت به بحرین، همواره بر پیشینه ۱۵۰ ساله تسلط انگلستان بر آن جزیره و عدم اعمال قدرت و نفوذ ایران در آن سرزمین تأکید می‌ورزید. هدفش از تکرار این موضوع این بود که گناه جدایی بحرین از پیکره ایران را به گردن حکومت قاجار بیندازد. در منازعه طولانی ایران و انگلستان بر سر مالکیت و حاکمیت مجمع‌الجزایر بحرین، این اولین بار بود که بالاترین مقام رسمی ایران با صراحت اعلام می‌کرد که ایران از حقوق خود نسبت به بحرین چشم‌پوشی می‌کند؛ اما نکته مهم اعلان انصراف ناگهانی و سریع حکومت ایران از دعاوی تاریخی خود نسبت به بحرین، آن‌هم در آستانه خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس است.

با این چراغ سبز شاه ایران و مذاکرات پنهانی بین ایران و انگلستان، برای اولین بار حکومت ایران پذیرفت که با فرستادگان شیخ بحرین به‌عنوان حاکم آن جزیره وارد گفتگو شود. عمده مذاکرات بین ایران و انگلستان درباره سرنوشت جزایر ایران ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک متمرکز شد. رژیم ایران انتظار داشت در این فرصت در برابر صرف نظر کردن از بحرین حاکمیت خود بر جزایر یادشده را تثبیت کند، هرچند که این جزایر نیز جزء ایران بود. گفتگوها با فرستادگان شیخ نیز بر محور نحوه اجرای همه‌پرسی در مورد الحاق بحرین یا کسب استقلال آن دور می‌زد. شاه ایران از بیم آنکه مبادا مردم ایران او را وطن‌فروش بخوانند استقلال بحرین را منوط به نظر مردم بحرین نمود که این عمل در تاریخ ایران سابقه نداشت، حتی علم وزیر دربار شاه نیز به سفیر انگلیس در مورد این راه‌حل اعتراض می‌کند و می‌گوید: «ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم چنین پیشنهادی را تصویب و در برابر ملت ایران توجیه کنیم». شاه خود نیز متوجه خطر نظرخواهی در مورد استقلال بحرین بود و به علم می‌گوید: «به سفیر تکرار کن که اگر من پیشنهادش را بپذیرم مرتکب خودکشی شده‌ام که اگر این خودکشی در راه حفظ منافع ملت ایران بود، چندان اهمیتی به آن نمی‌دادم ولی به عقیده من این طرح خیانت به منافع ملی است، بدین جهت

1. Vittorio Gychardy

امیرعباس هویدا در جلسه خصوصی و محرمانه کنگره حزب ایران به تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ در پاسخ به پرسشی درباره بحرین گفت:

«صحیح است ما قدرت داشتیم و نیروی دریایی و هوایی ما قوی بود ولی ما طالب صلح هستیم. ضمناً دیدیم در ۱۵۰ سال گذشته که دیگران در بحرین دخالت داشته‌اند اوضاع نابسامانی را به وجود آوردند و چون ما قصد نداشتیم به آنها بگوییم بروید، کار را به آن صورت که گفتیم حل کردیم» (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴، ج ۴: ۹۶-۹۷).

بدین ترتیب در اول خرداد ۱۳۴۹ دولت ایران یک هیئت حسن‌نیت به مجمع‌الجزایر بحرین فرستاد، متعاقب آن در ۲۴ خرداد ۱۳۴۹ شیخ خلیفه بن سلمان رئیس شورای دولتی بحرین وارد تهران شد و موجودیت بحرین به‌عنوان یک واحد سیاسی مستقل پس از یک قرن و نیم مجادله در ۲۴ مرداد ۱۳۵۰ ش / ۱۵ اوت ۱۹۷۱ شناسایی گردید و رسمیت یافت (همان: ۲۴۱).

### عوامل جدایی بحرین از ایران

در اینجا لازم است این واقعیت مهم عنوان شود که تمام دولت‌های ایرانی استدلالشان راجع به عدم پذیرش جدایی بحرین از ایران این بوده است که بحرین هرگز کشوری مستقل نبوده و حاکمیت ایران بر این جزیره چندین قرن ادامه داشته است به‌استثنای زمانی که پرتغالی‌ها این جزیره را اشغال کردند. دیگر اینکه ایران هرگز حاکمیت خود را بر بحرین به قدرت دیگری واگذار نکرده، حمایت دولت انگلستان از بحرین را به‌عنوان مداخله در امور داخلی خود تلقی می‌کرده است. شاه ایران در ۲۴ دی ۱۳۴۸ در جمع کارکنان وزارت امور خارجه به توجیه تصمیم خویش درباره بحرین پرداخت وی در آن جلسه با تأکید بر تسلط ۱۵۰ ساله انگلستان بر بحرین گفت:

«انگلیس این جزیره را به ایران پس نخواهد داد و من نمی‌توانم مثل دُن‌کیشوت رفتار کنم. برای ایفای نقش برتر در خلیج‌فارس ناچارم از ادعای خود بر بحرین دست بردارم» (پرتوی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۹۷).

رژیم برای آماده‌سازی افکار عمومی به روزنامه‌نگارانی

درباره جدایی بحرین بینجامد». به گفته علم: «شاه شانس آورد که کسی از این فرصت استفاده نکرد تا در مورد بحرین تظاهرات کند» (علم، ۱۳۷۱: ج ۱: ۲۲۵).

در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۹ در مجلس شورای ملی، امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر و عباس خلعتبری قائم‌مقام وزارت امور خارجه گزارش از جریان اقدامات نمایندگان سازمان ملل در بحرین و مراجعه به آراء عمومی آن کشور مبنی بر استقلال بحرین تقدیم مجلس شورای ملی نمود و تقاضای تصویب آن را کرد. در نتیجه آن از ۱۹۱ نفر عده حاضر در جلسه ۱۸۷ رأی موافق و چهار رأی مخالف داده شد محسن پزشکپور، دکتر فریور، دکتر طبایع، دکتر عاملی تهرانی و به‌این ترتیب قیومیت حقوقی چند قرنی ایران نسبت به حاکمیت بحرین به دست زمامداران ایران از دست رفت. در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۹ در طی جلسه علنی مجلس سنا گزارش دولت مبنی بر استقلال بحرین بدون هیچ‌گونه اعتراضی به‌اتفاق آراء تصویب شد (عاملی، ۱۳۷۲: ۲۴۱)؛ اما احزاب و جمعیت‌های سیاسی آشکارا یا مخفیانه از طریق انتشار اعلامیه و شب‌نامه‌ها مخالفت خود را با پذیرش و جدایی بحرین توسط رژیم ابراز داشتند و آن را خیانتی جبران‌ناپذیر و نابخشودنی به کشور برشمردند (پرتوی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۸۷). در پی اعتراض به جدایی بحرین از ایران داریوش فروهر طی اعلامیه‌ای با آن مخالفت کرد و به‌اتفاق چهار تن از اعضای حزب ملت ایران دستگیر شد. وی سه سال به‌عنوان دفاع از حاکمیت ایران بر بحرین در زندان سلطنتی بسر برد (تکمیل همایون، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

عکس‌العمل وزیر امور خارجه و نخست‌وزیر وقت ایران در خصوص ماجرای بحرین جالب‌توجه است. اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه در مصاحبه با خبرنگار مجله لایف در ۱۱ بهمن ۱۳۴۹ می‌گوید:

«بحرین در حدود ۱۵۰ سال پیش از ما دور بود، چون انگلیسی‌ها گفتند از منطقه باید بروند و ما برای اینکه خطری ایجاد نشود گفتیم هرچه نظر اکثریت اهالی است و هرچه آنها تصمیم گرفتند برای ما هم قابل قبول است، مسئله به سازمان ملل مراجعه شد و ما نظر اکثریت را قبول کردیم» (پرتوی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۸۷).

سیاست‌های شاه در آن زمان این واقعیت را آشکار می‌سازد که سازش ایران بر سر حل مسئله بحرین، بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه بود. علم، وزیر دربار شاه گزارش‌های مکرر از این گفتگوهای پنهانی ثبت کرده است. از جمله در یادداشت مورخ دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۴۸ خود آورده است:

«سفیر انگلیس خیلی محرمانه به من گفت که کار جزایر تنب بزرگ و کوچک تمام است و قطعاً متعلق به ایران خواهد بود زیرا به شیخ راس‌الخیمه گفته‌ایم که اگر با ایران کنار نیایی، چون جزایر بالای خط میانه واقع هستند، ایران آنها را از طریق قانون و اگر قانونی نشد به‌زور خواهد گرفت و شیخ حاضر به معامله است. گفتم ابوموسی چطور؟ گفت این جزیره زیر خط میانه است. گفتم زور ما آن‌قدر هست که پا زیر خط بگذاریم، گفت اگر به‌زور متوسل شوید روابط شما با اعراب به هم می‌خورد، گفتم به جهنم...» (علم، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۳).

شاه با فریب از سوی غربی‌ها که با عنوان ژاندارم منطقه خوانده می‌شد، در اصل حافظ منافع غرب در خلیج فارس از طریق کمک آنها به حفظ رژیم‌های سلطنتی محافظه‌کار بود، از این‌رو محمدرضا شاه پذیرفته بود که باید با کشورهای خلیج فارس کنار بیابد و نمی‌تواند آنها را منزوی کند (فولر، ۱۳۴۱: ۸۷-۸۸).<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

ایران با پذیرش همه‌پرسی راجع به استقلال بحرین ادعای تاریخی خود را با نوعی مشروعیت اخلاقی یا حقوقی

۱. مشکل اساسی برای اینکه ایران بتواند نقش ژاندارمی را در منطقه بگیرد وجود تنش در روابط ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس بود که این مانع با حمایت امریکا و همراهی انگلستان برداشته شد. مهم‌ترین این اقدامات در جهت رفع موانع مذکور: ۱- از سرگیری روابط سیاسی ایران و مصر در سال ۱۳۴۹/۱۹۷۰ م. و برقراری روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با آن کشور ۲- به رسمیت شناختن قطعنامه سازمان ملل در مورد تأیید رسمی حق فلسطینی‌ها برای داشتن کشوری مستقل از طرف ایران و تلاش برای جلب رضایت افکار عمومی جهان عرب به دلیل حمایت ایران از اسرائیل در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ م. ۳- عقد قرارداد با عربستان و تعیین حدود مرزهای دریایی و حل اختلافات فی‌مابین در مورد فلات قاره ۴- امضای توافقنامه تعیین محدوده دریایی با کویت در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ م. ۵- حمایت نظامی ایران از سلطان قابوس پادشاه عمان و اعزام نیروی نظامی برای حمایت از سلطان مسقط علیه شورشیان چپ‌گرا در دهه ۷۰ میلادی ۶- به رسمیت شناختن کشور تازه تأسیس امارات متحده عربی توسط ایران ۷- به رسمیت شناختن استقلال بحرین.

همچون عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات، مصطفی مصباح‌زاده مدیر کیهان، داریوش همایون ناشر آیندگان، عباس شاهنده مدیر فرمان، کاظم مسعودی ناشر آژنگ و محمدحسین فری‌پور مدیر صدای مردم، مأموریت داد تا در مقاله‌هایی به کم‌اهمیت جلوه دادن بحرین از لحاظ استراتژیکی و اقتصادی با تأکید بر پایان گرفتن منابع نفت آنجا بپردازد. محور تبلیغاتی شاه القای این مطلب بود که ایران هیچ چاره‌ای جز پذیرش خواست سازمان ملل نداشته است (رزم‌جو، ۱۳۷۸: ۱۲۶)؛ و صراحتاً می‌گوید: «من اهل این نیستم که به‌زور حضور لشکر یک جایی را ضمیمه خاک خودم کنم». از خاطرات امیر اسدالله علم چنین برمی‌آید که شاه تحت تأثیر دربار نیز قرار گرفته است، علم می‌گوید:

«به شاه عرض کردم اینکه بگوییم بحرین بنا بر حقوق قانونی از آن ماست ما را به‌جایی نمی‌رساند، اگر آن را به‌زور بگیریم بازی بر دوستان خواهد بود و موردی برای اختلاف دائمی با عرب‌ها می‌شود، از آن گذشته بسیار هم گران خواهد بود زیرا منابع نفتی بحرین در حال تمام شدن است» (علم، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۰۱).

اما استدلال‌های دولت وقت برای موافقت با عقب‌نشینی از حقوق مسلم خود و استقلال بحرین چنین بود: اکثریت ساکنان آن جزیره عرب هستند و به زبان عربی سخن می‌گویند. به لحاظ اقتصادی مجمع‌الجزایر بحرین دیگر اهمیت ندارند؛ زیرا نفت آنجا تمام شده و صید مروارید نیز صرفه اقتصادی ندارد. از نظر اهمیت استراتژیکی و سوق‌الجیشی با وجود تسلط ایران بر تنگه هرمز آن جزایر ارزشی ندارد. از جهت امنیتی هم حفظ آن سرزمین پرهزینه و مستلزم استقرار یکی دو لشکر در آنجاست و آخر اینکه چشم‌پوشی از این جزیره به امید باز پس گرفتن سه جزیره واقع در دهانه خلیج فارس (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) است (پرتوی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۱۰۲). همچنین گفته می‌شد که انگلستان با اطلاع و هماهنگی برخی از کشورهای عربی به تهران اطمینان داده بود که در قبال سلب حاکمیت خود بر بحرین، جزایر تنب و ابوموسی به ایران بازگردانده خواهد شد. با توجه به پنهانی بودن مذاکرات میان ایران و انگلستان درباره نحوه برخورد با مسئله بحرین و تجزیه و تحلیل

- امینی، علیرضا. (۱۳۸۱). *تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی*. تهران: انتشارات صدای معاصر.
- پرتوی مقدم، عباس. (۱۳۸۵). «بحرین چرا و چگونه از ایران جدا شد؟». *نشریه مطالعات تاریخی*. شماره ۱۵. ص. ۸۰-۱۱۱.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۳). *خلیج فارس*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رامشت، م.ح. (بی تا). *جغرافیای طبیعی خلیج فارس*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- رزمجو، علی اکبر. (۱۳۷۸). *حزب پان ایرانیست*. تهران: سازمان اسناد انقلاب اسلامی.
- زرگر، علی اصغر. (۱۳۷۲). *تاریخ روابط ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*. ترجمه کاوه بیات. تهران: انتشارات پروین معین.
- عاملی، باقر. (۱۳۷۲). *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. تهران: نشر گفتار. جلد دوم.
- علم، امیراسدالله. (۱۳۷۱). *گفتگوهای من با شاه*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: انتشارات طرح نو.
- فولر، گراهام. (۱۳۴۱). *قبله عالم ژئوپلیتیک ایران*. عباس مخبر. تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۴۱). *بحرین و مسائل خلیج فارس*. تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۷۲). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۵). *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. (۱۳۸۴). *حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک*. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. جلد ۴.
- نشأت، صادق. (۱۳۴۵). *تاریخ سیاسی خلیج فارس*. تهران: کانون کتاب.
- وثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۴). *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*. تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ویلسن، آرنولد. (۱۳۴۸). *خلیج فارس*. ترجمه محمد سعیدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

جانشین کرد، همه‌پرسی که فقط دستاویزی برای توجیه افکار عمومی در سطح داخلی و بین‌المللی بود. مطابق رسوم بین‌الملل، هیچ‌وقت در هنگام صلح از دولتی نمی‌توان تقاضا کرد که از حق سیادت خود بر یک قطعه از خاکش صرف‌نظر کند به این عنوان که ساکنین آن قطعه به زبان ملی آن دولت متکلم نیستند یا اینکه آن قطعه به واسطه دریا از آن مملکت جدا شده باشد. بحث در دلایل جغرافیایی و نژادی نیز هنگامی مطرح می‌شود که دولتی دعوی الحاق یک قطعه خاک جدید را به مملکت خود به همین عنوان تقاضا کرده باشد، گذشته از حقوق ایران به جزایر بحرین، روابط نژادی و اقتصادی آن جزایر با ایران بیشتر از ارتباط آنها با هر مملکت مستقل متمذنی دیگری بود اما ایران سرانجام پس از یک‌ونیم قرن منازعه و کشمکش با انگلستان به دلیل سازش و توافق پنهانی انجام‌شده بین محمدرضا شاه پهلوی و قدرت‌های غربی که به خاطر ترس از دست دادن حمایت آنها و به‌زعم خویش تثبیت حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه بود از بحرین صرف‌نظر کرد. ایران در بازی سیاسی این قدرت‌ها بازنده شد و جدایی بحرین نه تنها در راستای منافع ملی ایران نبود بلکه خیانت به منافع ملی و انطباق کامل با سیاست خارجی انگلستان بود. هدف انگلیس خارج کردن این ناحیه از کنترل ایران بود تا از برتری استراتژیکی ایران در خلیج فارس کاسته شود.

## منابع

- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۷). *روابط خارجی ایران*. تهران: انتشارات قومس.
- اسدی، بیژن. (۱۳۸۱). *خلیج فارس و مسائل آن*. تهران: انتشارات سمت.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۶). *جغرافیای تاریخی دریای پارس*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۴۸). *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*. تهران: انتشارات اساطیر.
- اقتداری، احمد. (۱۳۸۷). *خلیج فارس از دیرباز تاکنون*. تهران: انتشارات امیرکبیر.